

## جمهوری مصلحین

نماز جماعت دانشجویان پیرو خط امام در سفارت امریکا؛ شعار نوشته شده بر بام ساختمان «به گفته خمینی آمریکا دشمن ماست.»

### بیانیه تحکیم

جمهوری اسلامی پس از گذشت ۴۰ سال نه تنها هنوز به الگویی صحیح برای پیشبرد این دو گانه نرسیده است؛ بلکه دولت‌ها با خلط این دو رویکرد و با دستیابی به فرمولی واحد به ترکیبی ثابت از تقسیم انحصار بین دولت و سرمایه‌داران رسیده‌اند. مادامی که تصدی اقتصاد دست قدرت‌طلبان باشد فسادزاست و به مفهومی به نام تعارض منافع بال و پر می‌دهد. راهکار تعریف چارچوبی برای تصدی اقتصادی است که به انحصار اقتصادی بدل نگردد؛ چارچوبی که لاجرم باید تحت لوای مردم‌سالاری دینی پایه‌ریزی شود.

طی چهل سال گذشته، دولت‌هایی مختلف با رویکردهایی متفاوت روی کار آمده‌اند و اقتصاد ما از تصدی‌گری سوسیالیستی تا رهاسازی نئولیبرالی را آزموده است. در اقتصاد سوسیالیستی تصدی دولت مشهود است و در اقتصاد نئولیبرال تصدی سرمایه‌داران. بنابراین در تمام این چهل سال و با وجود حاکمیت دو رویکرد و تفکر اقتصادی متناقض، یک عنصر مشترک وجود داشت؛ انحصار قدرت اقتصادی.

در حالی که سیستم اقتصادی کشورها بر حسب نوع رابطه دولت و بازار و حدود مداخله دولت در عرصه اقتصادی تعیین می‌شود؛

### روایت عهد

#### کلید مشکل دست دولت شماست...

خیلی دوست داشتند که سری به آنها بزنند. شورای انقلاب که علاقه دانشجویها را دید. آقای خامنه‌ای را به نمایندگی انتخاب کرد تا از لانه و وضع آمریکایی‌ها بازدید کند. کارمند آمریکایی سفارت خانه خیلی سعی کرد که چیزی علیه دولتش نگوید. اما او هم ناچار شد در گفتگو با آقای خامنه‌ای اعتراف کند که محمدرضا پهلوی "مجرم" بود. در همه روزهای بعد از تسخیر اقدام دانشجویها دفاع کرده بود. به کارمند سفارت هم گفت اگر محمدرضا مجرم است به دولت شما پناهنش داده پس "کلید مشکل" دست دولت خود شماست به قول امام: "دولت امریکا باید آدم بشود."



مهم در دو مسئله دارند:

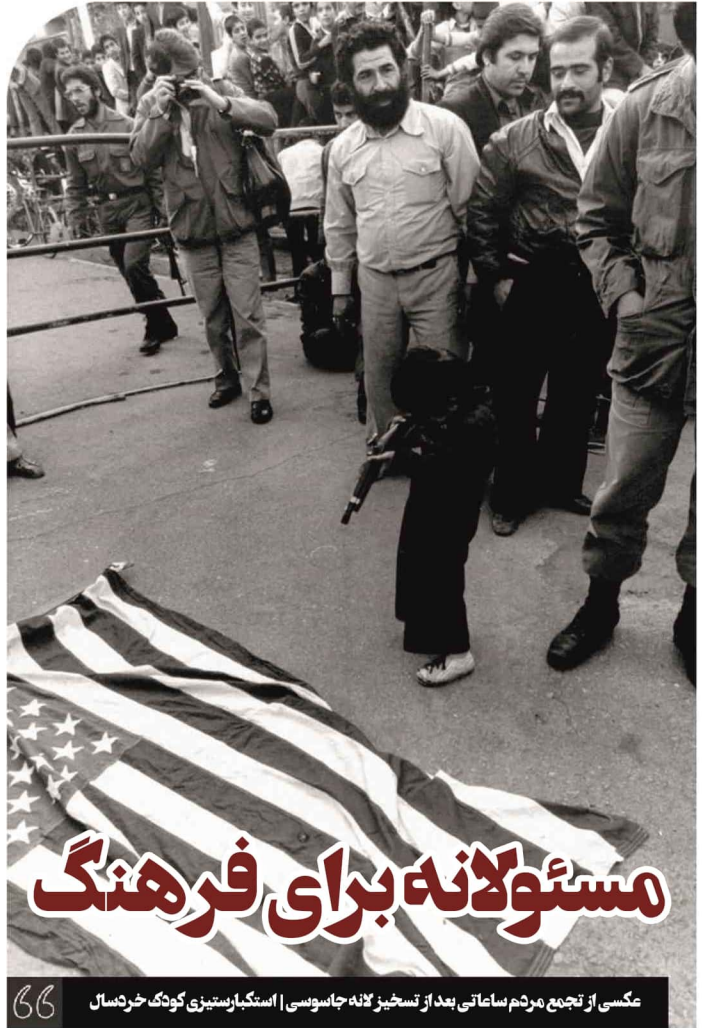
۱\_ احیای جایگاه و اهمیت فرهنگ

۲\_ حرکت به سمت فرهنگ‌سازی و مطالبه راهکار محور از دستگاه‌های فرهنگی

با توجه به مسائل امروز جامعه در حوزه فرهنگ مواردی وجود دارد که از اهمیت بسیاری برخوردار هستند اما متأسفانه نگاهی که باید به سمت آنها از طرف نهادهای مربوطه و تشکل‌های دانشجویی می‌شود.

مسئولیت اجتماعی: یکی از زیربخش‌های اساسی و مهم گفتمان مردم‌سالاری دینی، بحث مشارکت‌های مردمی در ابعاد مختلف می‌باشد. نگاه به مشارکت در ادبیات امروزی گاهی در مشارکت سیاسی و آنهم فقط در انتخابات محصور شده است در صورتی که مشارکت کلان موضوعی است که تمام کنش‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی فرد را ذیل خود تعریف می‌کند و خود مشارکت برآمده مسئله‌ایست به نام مسئولیت اجتماعی. جامعه امروز بیش از پیش از پیش نیازمند تبیین و حرکت به سمت افزایش مشارکت‌های آگاهانه مردمی در امور مختلف است. مسئله‌ای که هراندازه ما کمتر بدان توجه و تامل داشته باشیم در بازه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت ضررهای جبران‌ناپذیری بر بنیان‌های فرهنگی و سیاسی ما خواهد داشت که اینک همین امروز کلان مسئله مسئولیت اجتماعی و حضور موثر مردم در اجتماع با چالش‌های اساسی روبرو شده است و میتوان به قطعیت بیان کرد حرکت به سوی حکمرانی مردم‌سالاری دینی در کشور بخش عمده و کلانی از این مشکل را حل خواهد کرد.

فرهنگ و هنر: دفتر تحکیم وحدت در طی سالیان گذشته جز اولین تشکل‌های دانشجویی بود که برای اصلاح ساختارهای نادرست و روند‌های غلط به سمت دستگاه‌های کلان فرهنگی رفت. یکی از این دستگاه‌های مهم که شاید بتوان نام مغز متفکر فرهنگی را برای آن انتخاب کرد شورای عالی انقلاب فرهنگی است. به دلیل اهمیت و جایگاه شورای عالی انقلاب فرهنگی هم در زمینه قانون‌گذاری و هم نظارت بر عملکرد دستگاه‌ها، جا دارد تشکل‌های دانشجویی با نگاهی سختگیرانه، عملکرد شورای عالی انقلاب فرهنگی را مورد نقد قرار دهند و مطمئناً اصلاح رویه‌های نادرست شورای عالی انقلاب فرهنگی سبب پیشرفت و تعمیق فرهنگ اصیل ایرانی-اسلامی خواهد شد. اما در کنار نگاه نقادانه به شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان سیاست‌گذار کلان فرهنگی کشور، توجه به عملکرد دستگاه‌های مختلف فرهنگی-هنری از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. مجموعه‌هایی در کشور وجود دارند - مانند وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - که قدرت و اختیارات بسیاری در حوزه‌های فرهنگی و هنری دارند و همچنین میتوانند با استفاده از سیاست‌گذاری‌های کلان و استفاده از بازوهای اجرایی و نظارتی قوی خود، نقش تعیین‌کننده‌ای در حرکت فرهنگی و هنری کشور داشته باشند. غریبه بودن تشکل‌های دانشجویی با فضای هنری و فاصله گرفتن روزافزون برخی مجموعه‌ها از حوزه‌های فرهنگی و تمایل شدن به فعالیت‌های سیاسی باعث شده است که عملاً حرکتی در مسیر تبیین و تعیین هنر متعهد و هنر اصیل ایرانی-اسلامی شاهد نباشیم این موضوع در صورتی که رهبر معظم انقلاب بارها در توصیه‌های خود به اقشار مختلف و به خصوص به نیروهای انقلابی توجه و استفاده از ظرفیت هنر را یادآور شدند و بیان کردند مسائل هنر



عکسی از تجمع مردم ساعاتی بعد از تسخیر لانه جاسوسی | استکبارستیزی کودک خردسال

## مسئولانه برای فرهنگ

”

در طی سالیان متمادی نگاه بر مقوله فرهنگ یک نگاه به سطحی بوده است. دستگاه‌های فرهنگی در یک روال عادی و به قول مسئولان‌شان ساختارمند! حرکت کرده‌اند که نتیجه‌اش را امروزه در جامعه می‌بینیم. کفایت خروجی‌های دستگاه‌ها مختلف فرهنگی - با آن عرض و طول - را بررسی کنید تا متوجه شوید چگونه بر سر سفره فرهنگ به اسم فرهنگ، به فرهنگ ظلم میشود و ما این ظلم را شاهدیم و وظیفه ما چیست؟

إِذَا رَأَيْتَ مَظْلُومًا فَاعْنُهُ عَلَى الظَّالِمِ

«هرگاه ستم‌دیده‌ای را دیدی، او را در برابر ستمگر یاری رسان»

اقشار مختلف جامعه در قبال وضعیت امروز آن در حوزه فرهنگ مسئولند و هرکس به اندازه توان و نیروی خود باید برای اصلاح و جهش فرهنگ تلاش کند اما میتوان گفت در این سالهایی که برخی مسئولان فرهنگی در دستگاه‌های کلان فرهنگی مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی درگیر جلسات و کنفرانس‌ها و سیاست‌بازی‌هایشان هستند، تشکل‌های دانشجویی وظیفه‌ای بسی شگرف و

و فرهنگ نباید توسط جریان های غربگرا قبضه شوند و نیروهای انقلابی وظیفه ورود به این مسئله را دارند.

صدواسیما؛ شاید گفتن این جمله که «مطالبه‌گری از سازمان صدواسیما جز جذاب‌ترین فعالیت‌های دانشجویی چندین سال اخیر بوده است» دور از انصاف و واقعیت نباشد! همگی‌مان آگاه هستیم که صدواسیما امروزه دارای مشکلات متعدد فرهنگی و ساختاری است و این مسئله بر هیچکس حتی مدیران محترم سازمان که آمارهای درست را در اختیار دارند مخفی نیست و این موضوع باعث شده که تشکل های دانشجویی به عنوان

بلندگوهای جامعه به این مسئله ورود پیدا کنند و به دلیل آنکه مشکلات در این سازمان متأسفانه پرشمار است مطالبه از این دستگاه برای همه دانشجویان و تشکل های دانشجویی جذاب است اما گاهی شاهد این هستیم که نوع مطالبه‌گری به گونه‌ای است که نه تنها نتیجه‌ای به همراه ندارد و سبب ناامیدی از اصلاح ساختار میشود بلکه گاهی دیده‌ایم که ورود نامناسب و پرخاشگرانه برای اصلاح صدواسیما باعث از بین رفتن روزنه‌های اصلاح میشود. برای رسیدن به هدف مطالبه در حوزه صدواسیما لازم است به دور از هیجانات و رفتارهای غیرمنطقی مرسوم نگاهی واقع‌گرایانه و

منطقی به مشکلات داشته باشیم و سعیمان بر این باشد با ارائه راهکارهای منطقی و حساب شده به بیان نقدها و ارائه پیشنهادات و راهکارها بپردازیم. برای مثال مسئله شفافیت سازمان صدواسیما از این دست مسائل است که افراد مختلفی حول آن صحبت کرده‌اند و فعالیت‌هایی تعریف کرده‌اند اما نتیجه‌ای به همراه نداشته است. استفاده از ظرفیت و راهکارهای قانونی یکی از مسیرهایی است که میتوان با قدم برداشتن در آن امیدوار بود که سازمان صدواسیما جمهوری اسلامی ایران

مهدی فرزانی



## تسهیل ازدواج جوانان

عکسی از روزهای بعد تسخیر لانه جاسوسی و حضور فعال بانوان برای ترمیم اسناد رسته شده

سنگ زیر بنای جامعه و تنها نظام اجتماعی است که در همه جوامع مورد پذیرش می‌باشد و در جوامع گوناگون دارای نقش، پایگاه و منزلتی متفاوت است. تحکیم خانواده در بهبود روابط اجتماعی و کاهش مشکلات جامعه نقش تاثیرگذاری دارد. در واقع بقای جامعه در گرو بقای خانواده و موفقیت و شکست جامعه در سلامت یا گسستگی نهاد خانواده است. امروزه شرایط جامعه رو به سمتی رفته است که اگر یک جوان تصمیم به تشکیل خانواده داشته باشد باید از

امر مواجه شده است. قانون تسهیل ازدواج جوانان سال ها بین مجلس و دولت دست به دست شد تا زمانی که رهبری در سال ۹۷ در یکی از جلسات بررسی آسیب های اجتماعی به دادخواهی از ۱۴ میلیون و ۹۱۱ نفر جوان نسبت به عدم اجرایی آن گلابه کردند. بالا رفتن سن ازدواج و آسیب های اجتماعی ناشی از آن می تواند تبعات فردی، فرهنگی، اجتماعی و امنیتی برای کشور به دنبال داشته باشد بنابراین توجه به قانون تسهیل ازدواج امری حیاتی برای جامعه محسوب می‌شود اما دولت

موانع بزرگی عبور کند. جوامع مختلف در جهت حمایت از جوانان برای تشکیل خانواده و نیز به منزلت حفظ سلامت اجتماع خود تسهیلاتی را ارائه می دهند. ایران نیز از این قاننده مستثنی نبوده است و در سال ۱۳۸۴ به تصویب قانون ۱۳ ماده ای با هدف حمایت از ازدواج جوانان پرداخت. قریب به ۱۵ سال از عمر این قانون میگذرد اما با بررسی های انجام شده تا کنون تنها غیر از مواردی معدود و دم دستی از این قانون اجرایی نشده و با سنگ اندازی ها و غفلت هایی از سمت متولیان این

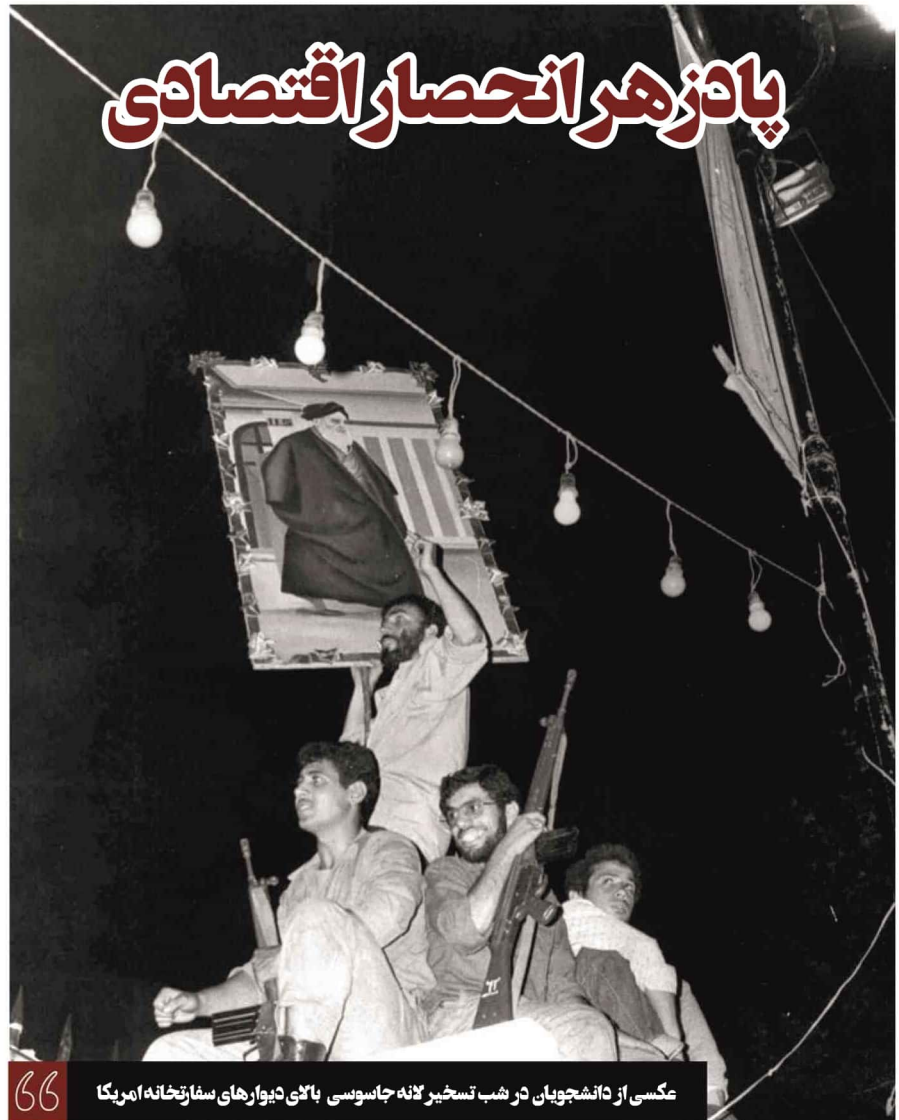
های مربوط دغدغه لازم برای پیگیری آن را از خود نشان ندادند. مسئله اینجاست که در بین مواردی همچون موتور سواری بانوان، ورزشگاه، درج نام مادر در کارت ملی فرزند و امثالهم که جامعه آماری محدودی را به خود اختصاص می دهد در مقایسه با مسئله حیاتی مانند جمعیت و ازدواج تا چه حد از توان مسئولین و متولیان امور خانواده را متوجه خود ساخته است!

علی رغم پافشاری مسئولین حوزه زنان و خانواده بر طرح های غیرکارشناسی، نهادهای متولی امور جوانان در اجرای قانون سرنوشت ساز برای قریب به ۱۵ میلیون جوان تنها بهانه جویی می کنند. مواردی هم وجود دارد که در قانون نیاز به اصلاح دارد که البته نباید منجر به ۱۵ سال بی اعتنایی می شد. قانون تسهیل ازدواج در ۱۳ بند به تسهیلاتی مانند اشتغال، مسکن، کمک هزینه زندگی، تالار، فرهنگ ازدواج آسان و سبک زندگی درست پرداخته است. زیربنای اجرایی قانون تسهیل ازدواج جوانان همان بند نخست آن است که دولت را به ایجاد صندوق اندوخته جوانان مکلف کرده و در حقیقت این بند ضمانت اجرای بندهای دیگر این قانون می باشد که در واقع با تشکیل صندوق مهر امام رضا(ع) به جای صندوق اندوخته ازدواج جوانان به وقوع نپیوست. اگرچه از منبع صندوق مهر امام رضا(ع) وام ازدواج برای جوانان نیز در نظر گرفته شده است اما تنها از تمام آن ۱۳ بند قانون تسهیل، وام را پشتیبانی می کند و مواد دیگر از حمایت آن بهره مند نیستند. موازی کاری های صورت گرفته در بحث وام ازدواج و مسکن، عدم ضمانت اجرایی و عدم تشخیص درست متولیان اجرای آن اجرای این قانون را با مشکل مواجه کرده است. مجلس باید پیگیر آیین نامه اجرای این قانون باشد و در راستای اصلاح باگ های آن از جمله تعیین دقیق نهادهای مجری، تعیین منابع مالی و تبیین ضمانت اجرایی گام عملی بردارد. قانون تسهیل ازدواج جوانان علی رغم اشکالات ساختاری در صورت پیگیری و اجرا می توانست ظرفیت مناسبی را در جهت تسهیل موانع ازدواج قریب به ۱۴ میلیون جوان ایجاد کند و اشکالات آن هم در روند اجرایی اصلاح می شد.

## حانیه زرنگ

” اصلی ترین و کلی ترین نظرات در باب الگوی مردم سالاری دینی به امکان یا امتناع مفهومی آن بازمی گردد. موافقان با امتناع مفهومی، قائل به یک تناقض آشکار در ترکیب دین و دموکراسی هستند؛ اما موافقان با امکان مفهومی آن معتقدند که دموکراسی و دین ضدیتی با یکدیگر نداشته و این پذیرش تلقی الگوهای فکری دیگر، چون تلقی سوسیالیستی یا به طور ویژه تلقی لیبرال سرمایه داری از دموکراسی است که آن را در تناقض با دین جلوه می دهد. در حقیقت این تناقض را نشأت گرفته از آن می دانند که آنچه به عنوان تعریف دموکراسی در اذهان نقش بسته؛ منطبق بر یک برداشت لیبرال از آن بوده و با برداشتی متفاوت از مفهومی ثابت به نام دموکراسی، دیگر تناقضی در ترکیب دموکراسی و دین وجود نخواهد داشت.

مشخصاً آنچه در این بین محل تضارب آرا قرار گرفته عبارت دموکراسی است که تعریف آن، نمایانگر نگاه حاکمیت به این مسئله، باتوجه به گفتمان خود است. تعریفی که به تازگی از آن الگویی ثابت شکل گرفته و در عبارت مردم سالاری دینی نمود یافته است. با این حال اگر عناصر محل مناقشه در بحث اقتصاد جایگزین عبارت دموکراسی در مفهوم کلان مردم سالاری دینی شود؛ بلاشک یکی از این عناصر «جایگاه دولت در اقتصاد» است. اهمیت این عنصر تا آنجا است که تفکر اقتصادی الگوهای فکری مختلف باتوجه به گفتمان آنها، برحسب حدود مداخله دولت در عرصه اقتصادی تعیین می شود. در حقیقت رویکردهای اقتصادی



## پادزهر انحصار اقتصادی

66

عکسی از دانشجویان در شب تسخیر لانه جاسوسی باغی دیوارهای سفارتخانه آمریکا

هر دیدگاه در مسئله دخالت دولت در اقتصاد بروز یافته است.

اقتصاد سوسیالیستی با حضور مستقیم و بلاواسطه دولت همراه است و اقتصاد نئولیبرال با نفی هر نوع مداخله دولت در اقتصاد. حال آن که بسیاری با پررنگ کردن عبارت «بخش خصوصی» در اقتصاد نئولیبرال؛ دوگانه دولتی-خصوصی را مطرح کرده و بسیاری همین را نیز به دوگانه انحصاری-رقابتی تقلیل می‌دهند. باید گفت باوجود این که انحصار دولتی در اقتصاد نئولیبرال نفی می‌شود؛ اما اتفاقاً تضمین منافع اقتصادی سرمایه‌داران، انحصار اقتصادی را در این دیدگاه پررنگ‌تر کرده است. اقتصاد لیبرال هوشمندانه نام بخش خصوصی را یدک می‌کشد و با طرح مباحثی چون مزیت نسبی یا مزیت رقابتی انحصار اقتصاد به دست سرمایه‌داران را تئوری‌پردازی می‌کند. همین برخورد هوشمندانه باعث شده تا انحصار اقتصادی در این دیدگاه ملموس نباشد. بنابراین می‌توان مدعی بود که وجه اشتراک این دو تفکر در عرصه اقتصادی در واژه انحصار جمع شده است. شاید این سوال مطرح شود که با این ادعا چرا «انحصار» در اقتصاد سوسیالیستی همواره مانعی برای بهره‌وری بنگاه‌های تولیدی و کارامدی اقتصادی کشورها شمرده شده؛ اما در تفکر لیبرال به پویایی اقتصادی منجر شده؟ هرچند شرح مفصل پاسخ این سوال در این یادداشت نمی‌گنجد؛ اما برای پیشبرد مطلب مختصراً به آن اشاره می‌شود. اول آن که اولویت در اقتصاد سوسیالیستی، عدالت اقتصادی است (مسئله منظور از عدالت اقتصادی آن چیزی است که در این دیدگاه معنا شده) اما در اقتصاد نئولیبرال پیشرفت اقتصادی مدنظر بوده و عدالت اقتصادی در حاشیه قرار دارد. دوم آن که هرچند بسیاری از کشورهای صنعتی در برهه‌هایی از تاریخ مدعی شده‌اند که پیشرفت اقتصادی آنها در سایه مولفه‌های اقتصاد نئولیبرال، چون مکانیسم خود تنظیم بازار و عدم مداخله دولت در اقتصاد اتفاق افتاده؛ اما تاریخ اقتصاد این کشورها و مطالعه موردی رویکرد اقتصادی آنها نشان داده که در بسیاری از موارد به این سیاست‌ها پایبند نبوده و اتفاقاً در برهه‌هایی صرفاً با حفظ پوسته اقتصاد بازار، سیاست حمایت‌گرایی را پیش گرفته‌اند. در واقع هرچند رویه این کشورها به تحقق عدالت اقتصادی منجر نشده اما کاربست صحیح دو مدل اقتصاد بازار و اقتصاد دولتی منجر شده تا به شیوه قابل تاملی از رویکرد حمایتی و نظارتی دولت برای شکل‌گیری

صحیح رقابت اقتصادی دست یابند. موضوعی که اصلی‌ترین عامل پیشرفت اقتصادی در این کشورها بوده است. با این تفصیل انتظار می‌رود تا نظام اسلامی که از همان ابتدا مرز خود را با تفکرات لیبرال و سوسیالیستی مشخص کرده با تکیه بر گفتمان خود به تعریفی ثابت از عناصر و عبارات محل مناقشه در الگوهای فکری مختلف دست یافته باشد. به بیان دیگر همانطور که درخصوص تعریف دموکراسی و مولفه‌های آن به الگویی واحد بر مبنای گفتمان خود دست یافته، انتظار می‌رود تا درخصوص رویکردهای اقتصادی محل مناقشه نیز به الگویی ثابت رسیده باشد. حال آن که در این خصوص به جای کاربست مدلی صحیح از نحوه و حدود مداخله دولت در اقتصاد، دو رویکرد اقتصاد بازار و اقتصاد دولتی را به بدترین شکل ممکن با یکدیگر خلط کرده و مدلی را ساخته است که وجه اشتراک تمام معایب دوگانه اقتصاد بازار و اقتصاد دولتی است! به راستی اقتصاد ایران به فرمولی ثابت برای تقسیم انحصار بین دولت و سرمایه‌داران رسیده است. یکی از نمودهای بارز این ادعا، اصل ۴۴ قانون اساسی است که در ابتدا مقرر شده بود اولویت در تصدی اقتصادی با بخش دولتی، سپس با بخش نیمه‌دولتی و در شرایطی که این دو بخش امکان تصدی اقتصادی را نداشتند با بخش خصوصی باشد. در سال ۸۴ پس از ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ مبنی بر اولویت‌یافتن بخش خصوصی در تصدی اقتصادی کشور به یکباره موجی از رفتارهای شعارزده و هیجانی در واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی اتفاق افتاد. خصوصی‌سازی به عنوان یگانه راه پیشرفت اقتصادی مطرح شد. از اقتصاددان‌های نئولیبرال گرفته تا آنها که نظراتشان رنگ‌وبوی اقتصاد مارکسیستی داشت، هرکدام آن را به نحوی تفسیر به رای یا به بیانی توجیه کردند! بدون آن که هدف از خصوصی‌سازی مشخص باشد، مجلس هفتم قانون اصل ۴۴ را به تصویب رسانید. نتیجه، واگذاری انحصار از بخش دولتی به بخش خصوصی بود؛ بدون آن که بهره‌وری بنگاه‌های تولیدی افزایش یافته باشد. بلاشک آنچه انتظار می‌رود تا به رویکرد اقتصادی حاکمیت تبدیل شود نیازمند دستیابی به الگویی صحیح برای تعیین جایگاه دولت در اقتصاد بوده که پیشرفت و عدالت اقتصادی را توأمان با یکدیگر محقق سازد و در عین حال با فراهم کردن عرصه برای تصدی مردم بر اقتصاد انحصار اقتصادی را بشکند. الگویی که دست‌یافتن به مولفه‌های نظری و رسیدن به برنامه‌ای عملیاتی در قبل آن نیازمند مطالبه جدی برای پیشبرد و توجه به این الگو از سوی جامعه نخبگانی و عزمی راسخ برای تئوری‌پردازی از سوی اندیشمندان اقتصادی است تا در نهایت ورود آن به عرصه سیاست‌گذاری تضمینی برای بهبود آینده اقتصاد کشور باشد.

بهار سعیدی

”

**با این تفصیل انتظار**

**می‌رود تا نظام اسلامی**

**که از همان ابتدا مرز**

**خود را با تفکرات**

**لیبرال و سوسیالیستی**

**مشخص کرده با تکیه**

**بر گفتمان خود به**

**تعریفی ثابت از عناصر**

**و عبارات محل مناقشه**

**در الگوهای فکری**

**مختلف دست یافته**

**باشد.**

**حال آن که در این**

**خصوص به جای**

**کاربست مدلی صحیح**

**از نحوه و حدود مداخله**

**دولت در اقتصاد، دو**

**رویکرد اقتصاد بازار**

**و اقتصاد دولتی را به**

**بدترین شکل ممکن**

**با یکدیگر خلط کرده و**

**مدلی را ساخته است**

**که وجه اشتراک تمام**

**معایب دوگانه اقتصاد**

**بازار و اقتصاد دولتی**

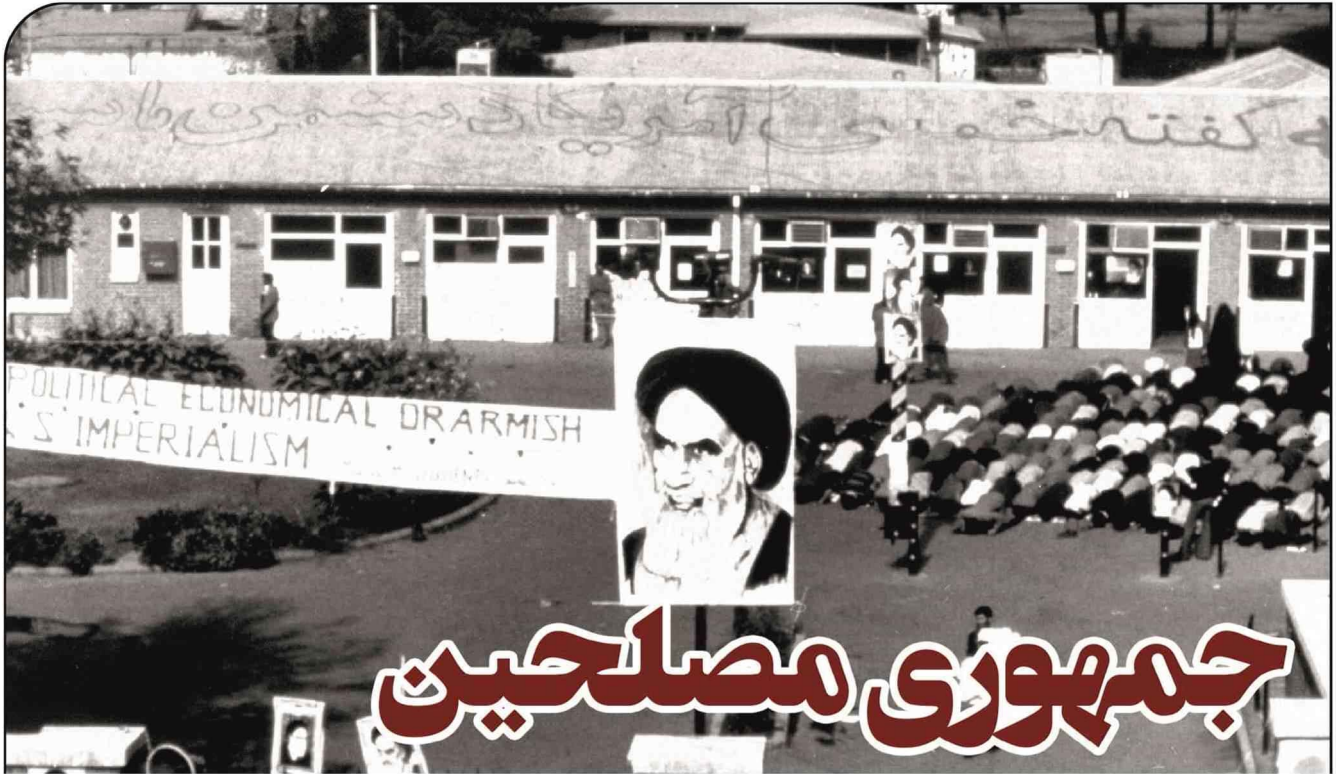
**است! به راستی اقتصاد**

**ایران به فرمولی**

**ثابت برای تقسیم**

**انحصار بین دولت و**

**سرمایه‌داران رسیده**



هم نمودی از تحول‌خواهی گروه‌های مردمی و بعد لیبک حاکمیت به آنان است. مسئله‌ی اعتراض که امروز از آن به عنوان «مسئله» یاد می‌شود، می‌تواند بزرگترین فرصت‌ها برای ما در جهت تغییرات مصادف با آرمان‌خواهی خود را ایجاد کند. البته اعتراض هم شئونی دارد که در این توضیحش مقال نمی‌گنجد اما اجمالا می‌توان گفت تصویر عمومی از اعتراض یعنی ضد و خوردهای خیابانی، بدترین نوع و رادیکال‌ترین نوع اعتراض است و اساسا چنین اقداماتی معمولا به نتیجه نمی‌رسد و جز برهم زدن نظم اجتماعی حاصل دیگری ندارد. وقتی حرف از اعتراض ساختارمند می‌کنیم، یعنی برای اجرای آن باید به دنبال ایجاد ساختار و بستر مناسبی برای اعتراض باشیم. جمهوری اسلامی، جمهوری مصلحین است و این مصلحین باید بتوانند در امنیت و آرامش خواسته‌هایشان را بیان کنند و باز در آرامش تحقق آن خواسته‌ها را پیگیری. اصل ۲۷ قانون اساسی نیز از منظر امنیت معترضین به مسئله پرداخته و نه تنها امنیت و آزادی را متناقض نمی‌داند، بلکه امنیت را در خدمت آزادی آورده است.

علی بزرگنحو



هرگز پاسخ داده نخواهد شد، مگر با انقلاب‌های درونی لحظه‌ای و پذیرایی از تحول‌خواهان در جهت اصلاح امور در هر لحظه. جمهوری پویا نیازمند تحول‌خواهان و مصلحینی است تا بتواند با تکیه بر آراء نظری ایشان در جهت انقلاب‌های جدید گام بردارد، نقش اساسی مردم و تشکل‌ها دقیقا در همین مقطع یعنی ایجاد بستر نظری مناسب و بعد مطالبه‌ی آن در جهت ورودش به بعد عملی برای اجرایی شدن، بسیار مهم است. اما این پویایی جمهوری اسلامی، یک ارتباط صرفا بالا به پایین و یا صرفا پایین به بالا نیست، بلکه در تعامل مستمر بالا و پایین جامعه شکل می‌گیرد یعنی حاکمیت به عنوان بخشی و مردم به عنوان بخش دیگر از جمهوری اسلامی، هر دو در جهت اصلاح دائمی گام بردارند، حاکمیت با پذیرش و حمایت از مصلحین و مردم با ایجاد تشکل‌های مختلف و ایجاد ابعاد نظری و ارائه به حاکمیت برای اجرا. این پذیرش و حمایت هم نیازمند ساختاری برای بروز و ظهور دقیق و در جهت آرمان‌های انقلاب خواهد بود، مسئله‌ی تحول‌خواهی در کلام مقام معظم رهبری، الزاما به معنای اعتراض نیست، اما اعتراض را هم شامل می‌شود. اساسا همین روز ۱۳ آبان و تسخیر لانه

از زمان وقوع انقلاب اسلامی ایران و تشکیل نظام جمهوری اسلامی، همواره این سوال مطرح بوده که آیا انقلاب به اتمام رسیده و الان وقت اداره کشور است؟ این سوال هم درست و هم غلط است، صحیح از آن جهت که وقت اداره کشور و سازماندهی ساختارها مدت‌هاست که فرا رسیده و برای اداره‌ی آن نیازمند بروز و ظهور مدیران ساختارگرا و عملیاتی در جهت تحقق آرمان‌ها است، اما غلط هم هست از آن جهت که در کلام امامین انقلاب اسلامی، انقلاب ما هرگز به پایان نرسیده است بلکه فقط شکلش تغییر کرده است. اساسا توجیه عبارت «نظام انقلابی» که در بیانیه گام دوم هم آورده شده است، فقط از این دریچه قابل انجام است. در عین حال که نظامی ساختارمند و عملگرا روی کار آمده، این ساختار باید دائما چهار انقلاب‌های درونی شود و تغییرات دائمی از درونش شروع شده و به تمام ارکان و شاخه‌هایش برسد. در واقع نظام جمهوری اسلامی برای اینکه بتواند یک نظام انقلابی باقی بماند، باید بتواند پویایی لازم و تحرک مورد نیاز را هر لحظه درون خودش ایجاد کند، جمهوری اسلامی باید یک جمهوری پویا باشد تا بتواند هر لحظه پذیرای اصلاح و تغییر ناشی از آرمانگرایی جمعی درونی‌اش باشد. آرمانگرایی ما